



اندیشه های مذهبی دوره کوشانی

تألیف و کلام

تألیف و کلام: اکادمیسین عبد القادر باهر

کابل ۱۳۶۷

به مناسبت بزرگداشت میلادالنبی (ص) و برگزاری کنفرانس
بین المللی اسلامی

مرکز تحقیقات علوم اسلامی
مدیریت عمومی نشرات

اندیشه های مذهبی

دوره کوشانی

تأههور اسلام

تالیف



کاندید اکادیمسین عبدالغفور باهر

- نام کتاب : اندیشه های
مذهبی دوره کوشانی تا ظهور اسلام

- تالیف : کاندید اکادمیین
عبدلغفور باهر

- ناشر : مرکز تحقیقات علوم
اسلامی

- اهتمام : شمس الحق فضلی
و شکریه

- تیراژ : دو هزار نسخه

- جای چاپ : مطبعه دولتی

- سال چاپ : ۱۳۶۷

- شماره مسلسل : (۸)

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
اول	یاد داشت اداره
الف	مقدمه
۱	اندیشه های مذهبی دوره کوشانی
۱۵	کوشا نیان
۲۰	ظهور اسلام
۲۴	نشر عقیده اسلام در افغانستان
۲۶	نتیجه و خلاصه بحث
۳۵	ماخذ و مراجع

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



پاداشت اداره

کشور عزیز ما افغانستان امروزیا آریا نای قدیم در بحبوحه تاریخ موجودیت سیاسی خود را حفظ نموده و مردم این سر زمین بویژه دارای اندیشه های مذهبی و کلتوری خاص بوده و دوره های مختلف تاریخی را پیموده است .

باختر زمین و سایر نقاط آریانا بعد از پاشیده شدن حکومت اسکندر در حوالی سال (۲۵۰ ق م) از طرف روسای ملی و یونانی اداره میشد . و درین موقع (دلیودوت) حکمران باختر بود .

در زمان شاهان مستقل یونانی و باختری و کوشانی های بزرگ حیات اجتماعی و تهذیبی مردمان کشور ما انکشاف بسزای یافته و تا حوالی ظهور عهد (مسیح) علیه السلام دوام نمود .

این دوره از زمره دوره های است که مطالعه حیات اجتماعی و پهلوهای مختلف زندگانی تهذیبی مردم ما با وجود تاریکی های زیادی قابل توجه است . زیرا در این قرن مبادی تهذیب قدیم یعنی (ویدی و اوستایی) آریانا با مفکوره های جدید یونانی و هندی مخلوط شده و از اختلاط

این مردم مفکوره ها الغرض در زمینه دیانت ، صنعت ، معماری ، ادب ، زبان و دیگر مظاهر زندگانی مادی و معنوی تحولاتی به عمل آمده است .

کیش و آیین مردمان باختر مهد ظهور معتقدات قدیم آریایی بوده که تاریخ قدیم (ویدی) و (اوستایی) توسط هخامنشی ها به سپهر اوطان مانند فارس یا ایران امروز برده شده است .

اولین شاه کوشانی (کجو لاکد فیزس) بوده و اغلب کوشانی ها لباس ساده می پوشیده و مردمان سخت گری و جنگجو و سوار کار بوده اند کوشا نیان درین موقع تحت نفوذ تهذیب باختری ها آمده و دومین خاندان سلطنتی کوشانیان خاندان (کنیشکا) میباشد .

کنیشکا پیرو دینت بودایی بوده و در این آیین یعنی بوایی قدیم (بوذا) معلم و استادی تصور میشده که با تجارب حاصله خویش کتله بشری را به طرف راهی رهبری می کرده و غیر از او وجود پیغمبر و خدا در معتقدات شان راه نداشته است .

همچنان زمانیکه دیانت بودایی در افغانستان عزیز انتشار یافته بود پرستش و احترام ارباب انواع قدیم آریایی و ارباب انواع یونانی که بعد از فتوحات اسکندر در خاک های شرق معروف شده بود مانند (اگاسیتام) و (هیترا) سوریان ، اوس و هر کول و بعضی ارباب انواع هندی مانند (شیوام) و غیره هر کدام به نحوی پیروان و معابد های داشتند . (بودیزم) و قتیکه از هند بر آمده به خاک آریانا نشر گردید . صنعت گران باختری و گند هاری که با اصول مدارس هیکل تراشی یونانی در ریشه و قابلیت بسزای داشتند برای اولین بار (بودا) را بشکل انسانی جلوه دادند و برای دستان های او هیکل ها و تصاویری را ایجاد کردند .

همین قسم خاک آریانا در فلسفه بودایی تاثیر مطلوب نموده بود که
 کهکلت آن هم پرستش يك تعداد از باب انواع مختلف میباشد
 یادشدهاں کوشانی عرف ، عادات و عقاید مردم را بدرجه نهائیس
 مراعات و احترام می کره اند .

در دوره کوشانی ها آئین بودایی از يك طرف و بقایای دیانت های
 قدیمی آریایی از قبیل پرستش (ناهیتا) مثریا - آتش پرستی از
 بین نرفته بود و دیانت بودایی در همان موقع کسب عمو میت میکرد ،
 بدینسان روحا نیون و علما در عصر کوشانی ها ترقی زیاد نموده
 بودند روحا نیون از نقطه نظر اقتدار و از پهلوی علم و تبحر به
 مراتب بلندی نایل شده علمای بودایی آریانا نسبت به همکاران
 هندی خود با نظر وسیع تر به فلسفه ادیان می نگریستند .
 چنانچه در دوره کوشانی ها در نیمه شرقی آریانا هزار ها معابد
 بودایی آباد شده و طرف استفاده مردم قرار داشت و به تناسب آن
 علما و روحانیونی در ملك موجود بود .

کوشانی ها از خود رسم الخط جداگانه و ویژه داشتند که در اثر
 اولین حفريات علمی که از طرف (موسیو هاکن) در سال ۱۹۳۰ در
 قدیمترین سموچ های مجاور شرقی بودایی (۳۵) متری به عمل آمد از
 نزدیکی استوپه کوچکی نوشته های کشف شد که رسم الخط به خصوص
 صس آنها را ثابت میسازد . هم چنان صنعت (گریکو بود يك) رادر
 همین عصر سراغ میتوانیم بعد از سقوط کوشانی های بزرگ در اواسط
 قرن (۳) مسیحی کوشانی های کیداری اول در باختر و سپس در
 جنوب هندو کش و کابل زندگسی پر تجملی رابه میان آوردند (کیدارام)
 موسس سلطنت کوشانی های خورد میباشد .

اولین حملات اعراب در سرحدات غربی آریانا در نیمه اول قرن (۷م) زمان حکمرانی کوشا نیان خورد صورت گرفته و پرچم دیانت مقدس اسلام در همین زمان در کشور عزیز ما بر افراشته گردیده است.

به ارتباط رساله «اندیشه های مذهبی دوره کوشانی تا ظهور اسلام» مرکز تحقیقات علوم اسلام می مروزی آنی را بر سیر تاریخ تمدینی دوره کوشا نیان طور خلاصه تسوید و به مناسبت بر گذاری روز میلاد پیامبر بر حق اسلام که بتاریخ اول عقرب سال ۱۳۶۷ تجلیل میگردد نشر رساله «اندیشه های مذهبی ...» تالیف محترم اکاد میسین عبدا لغفور (باهر) را که به مفاخر تاریخی وطن عزیز مان روشنی انداخته و مبادی تهذیبی کشور را برای نسل جوان بر شمرده قابل تمجید دانسته پیروزی های بیشتر ایشان را آرزو مندیم.

و من الله التوفیق

مرکز تحقیقات علوم اسلام

مقدمه

جامعه انسانی تنها عبارت از تعدادی از مردم نمی باشد که در یک ساحه معین از زمین بسر بردند بلکه جامعه انسانی عبارت از جامعه‌ای است که دارای اهداف مشخص بوده و علاوه بر وحدت محیط و محل زیست از وحدت هدف نیز برخوردار بوده اند ، انسانهای ابتدایی صرف مجموعه از مردم با اهداف متشتت و پراکنده بوده و روابط میان شان طوری مستحکم نبود که یک جامعه هدفمند را تشکیل دهند و دارای اهداف و ارمان مشترک باشند ، بلکه هر یک از آنها سعی و تلاش مینمود که چگونه حیات به سربرد ، چگونه بنوشد و بخورد و بخوابد . تا بالاخره بر هدفی اجتماع نمودند و جامعه‌ای از جوامع انسانی را که دارای اهداف و امیال مشترک بود تشکیل دادند .

هدف اجتماع انسانی بالا تر از انگیزه ها و امیال افراد میباشد که به مصلحت تمام جامعه ارتباط مستحکم پیدا میکند طور مثال در جامعه‌ای استقرار سلطه و قدرت هدف میباشد و در جامعه دیگر آزادی از سلطه و نفوذ دیگران و هر یک در این هدف خودش مبارزه مینمایند .

و هر کدام به منظور بدست آوردن آرزوهای خود سعی و تلاش مینمایند تا هدفی را که مدنظر دارد بدست آرد ، البته آفاقی - نستان تاریخی سرزمینی است که از دوره های ما قبل تاریخ و بعد از

آن تا کنون مصدر مدنیتها ، گذرگاه فرهنگ علوم معارف و پرور شگاه فکر و اندیشه های دینی ، مذهبی و اخلاقی بوده ، دولت ها ، حکومت ها ، رجال سیاسی ، دینی و مذهبی مقتدر و پر توان در درازنای تاریخ از این سر زمین زیبا و تاریخی و فرهنگ خیز و دانش پر خاسته و مردم باشعادت ، شجاع و آزادی خواه ، وطن دوست و صلح دو ست همواره آزادی و خصوصیات ملی خود را در طول مجادلات و مبارزات سیاسی ، تاریخی ، فکری ، دینی و مذهبی حفظ و برجسته نگا هداشته اند که اینک این رساله کوچک و موجز به خصوص خصوصیات و اندیشه های دینی و مذهبی را قبل از میلاد در دوره کوشا نیان تا ظهور اسلام در افغانستان به صورت خیلی مختصر ، واضح و روشن میسازد.

در این رساله به طور کلی اندیشه های مذهبی مهم که قبل از میلاد در افغانستان موجود بود ، سیر و حرکت تاریخی این اندیشه های مذهبی بعد از میلاد با ذکر طرز اندیشه هر صاحب مذهب به خصوص ص بر خورد با این اندیشه ها در دوره کوشا نیان بحث شده است ، زیرا این مذاهب و اندیشه ها بایروران خود در حال عروج و نزول از قرن به قرن و از دوره ای به دوره ای سیر نموده و ادامه پیدا کرده است و به وسیله بیروران خود که آنها به هر نقطه و ساحه رسیده اند این اندیشه ها را انتشار داده اند . بنا به یک دوره خاص اختصاص کلی داده شده نمی تواند صرف طرز برخورد دوره کوشا نیان با این اندیشه ها واضح شده میتواند .

بنا در این رساله از مذهب اخلاقی در شرق دور و شرق میانه باختصار بحث شده است و هم از اندیشه های مذهبی زردشتی ، یونانی ، یهودایی تا نشر و ظهور اسلام در افغانستان با نتیجه و خاتمه به صورت ایجاز بحث شده و مآخذ های درین زمینه ذکر شده است . امید است خواننده مگان گرامی از آن استفاده نموده بتوانند .

(گانید اکادیمین عبد الغفور با هر)

اندیشه‌های مذهبی دوره کوشانی تا ظهور اسلام

پیش از نزول قرآن کریم بزرگوار پیغمبر اسلام صلی الله علیه و سلم و پیش از میلاد مسیح آنگاه که هنوز افکار ، نظرات و اندیشه‌های انسانی به مطالعه و بررسی علمی نظام طبیعت و ماورای طبیعت بسنج نشده بود در شرق دو مذهب اخلاقی متمایز وجود داشت :

مذهب اخلاقی در شرق دور

مذهب اخلاقی در شرق میانه

مذهب اخلاقی در شرق دور :

سلوك و روش اخلاقی شرق دور، بر محور مکان و زمان می چرخید، که هدف و مقصود آن کمال نوعی برای بشر بود . پیروان این مذهب به این عقیده فکر و اندیشه بودند که زمان مانند مکان دایروی است که به دور خود می‌چرخد و به نقطه‌ای می‌انجامد که از آنجا دور خود را آغاز کرده است ، این چرخش میتواند که به نسبت روز ، ماه ، سال ، قرن و یا حصبه‌ی از آن باشد. عمر انسان نیز به مثابه دوره‌ای است که

از نقطه ای آغاز شده به همان نقطه منتهی میشود و دو باره از همان نقطه آغاز مینماید یا قوس صعودی و یا نزولی را پیموده و بعد بهمان نقطه یی می انجامد که از آنجا آغاز نموده است . به عبارت دیگر اگر انسان حقوق ، وجایب و مکلفیت های اخلاقی خو را بوجه احسن ادا نماید ، حق دار که در سیر حلقه دوره دوم به درجه اعلی ارتقا نماید و الا به حلقه و درجه ادنی نزول می نماید تا اینکه دوره خود را تکمیل نماید و به مقام عالی مادی برسد . این مذهب و مسلک اساس تناسخ در شرق دور بود .

درین مذهب افکار و اندیشه ماورای طبیعت و یا دو باره زنده شدن نبود تا بر آن مسایل سوال و جواب ، ثواب و جزا مرتب می شد .

مذهب اخلاقی در شرق میانه :

مذهب اخلاقی در شرق میانه از بلخ ریانا افغانستان آنوقت ، آغاز تا ممفیس ، مصر رایج بود . این فکر و اندیشه یی مذهبی ، ادبی موازی با نظام طبیعی بود که از عالم طبیعت به ماورای طبیعت معتقد بود . هدف آن کمال نوعی و روحی انسان بود که به راهنمایی ضمیر به حق ، خیز ازلی و ابدی سیر می کرد . این فکر و اندیشه یی مذهبی معتقد به باز زنده شدن پس از مرگ و به حساب و کتاب بهشت و دوزخ بود . (۱)

البته بعد از خاندان (باردانا) خاندانی بنام کاوه یا کیانیها که معنی حکما است زمان حکومت رادرافغانستان آنوقت بدست گرفتند و چند قرن حکومت کردند و هم پیش ازینکه مردم آریایی نژاد به هند هجرت نمایند و با مردم اصلی هند بیامیزند در شمال افغانستان در بلخ دارای کتاب و یثا که تا حال نزد شان است بودند . این کتاب

۱- اضرواء : علی میادین الفلسفه اللغه والفن والادب ، اثر صلاح الدین

سلجوقی .

علاوه بر اینکه اندیشه های مذهبی دارد ، دارای معلومات جغرافیایی در باره افغانستان که در آنوقت به آریانا موسوم بود میباشد . و این مردم قبل از آنکه از وادی سند به وادیهای وسیع هند شمال هجرت کنند و مدینتی را در آن سرزمین تشکیل دهند ، در بلخ زندگی میکردند و بعد از هجرت از بلخ افکار ، نظرات و اندیشه های مذهبی و فلسفی خود را به سایر کشور ها و سرزمین ها انتقال دادند .

تعالیم این دیانت با اختلاف نظر مورخین در حدود قرن پنجم و یا دوازدهم قبل از میلاد در کتاب ویدا گردآوری شده و پیروان این اندیشه مذهبی به تعدد خدا یان معتقد بوده و هم به باز زنده شدن اذعان دارند . این دیانت به تقسیم مردم به طبقات مختلف معتقد بود . عالی ترین این طبقه بر همینیه می باشد و این عقیده بعدا به اندیشه مذهبی بر همان تعدیل شد .

در دین بر همان مسئله تثلیث بیش تر از سایر ادیان جا داشته به حلول و وحدت الوجود مایل است و بر هما خود را درسه شخص یا مظهر تجلی داده است اولی برهما یا بر همین است که قوه خلاقه یا عقل کل را تمثیل میکند . شخص و یا تجلی دوم برهما عبارت است از ویشنو که قوه زندگی ، برکت و شادی را تمثیل میکند ، و شخص سوم بر همین شیوا نامیده میشود که قوه مخو کنند و زندگی بخشنده بسر هما را تمثیل میکند که شماره به صفت ، قهار و رست و رحمانیت خدای یگانه است ، این سه شخص و یا تجلی را تریمورتی یا مظاهر سه گانه می نامند .

و در عین حال تعالیم این دیانت و اندیشه مذهبی به تناسخ قایل است : ۱-۲-۳ .

که در کشور هند در حوالی قرن نهم و یا قرن هشتم قبل از میلاد به میان آمد .

این مطالب در چهار کتاب قدیم ویدا در حدود ۱۴۰۰ ق.م منعکس است ریگ ویدا کتاب برهنمان که بین ۱۵۰۰ ق.م تا دو هزار و پنجاه سال ق.م در افغانستان سروده شده باز در هندوستان تکمیل گردیده است با سرود های ویدی ، دوره تاریخی مردم لرین آغاز شد . (۴)

در کتب ویدی دیده میشود که سازمان زمامداری از اوایل مهاجرت در بین ایشان موجود بود و ارباب انواع مختلف را می پرستیدند . چون وارو نارب النوع آسمان ، اندر اربع النوع جنک ، سور یارب النوع مهر ، ماروت رب النوع یا دو بتام هر یک قربانی ها داشتند و دانشمندان دین خود را ریشی یاد می کردند . (۵)

۱- اصول آسانسی روان شناسی . انسان و ماهیت و تکامل او ،

تالیف حسین کاظم زاده طبع سپهر ناصر خسرو .

۲- یاد داشت ها در باره تاریخ فلسفه ، یوسف کریم و ابراهیم

سلام مذکور ، ص ۱۹ .

۳- فی الفلسفه الاسلامیه وصلاحاتها با لفلسفه الیو نیایته ، تالیف

دکتور محمد سید نعیم و دکتور عوض الله جاد حجازی طبع قاهره .

نظام طبقاتی این دیانت در چهار ردیف خلاصه میشود :

۱- کاهن ، روحانی و رجال دین .

۲- اقوای مسلح .

۳- تجار و دهاقین .

۴- اهل حرفه و کسبه کار و کارکنان و پرسونل خدماتی .

۱- چهاروید عبارتست از ریگ وید ، سام وید ، انهر وید و یسود

بجور وید که قدیمترین همه ریگ وید است .

۵- تاریخ مختصر افغانستان از ابو هاند حبیبی ، س ۱۳۴۶ .

اندیشه های مذهبی زردشت :

سپنتمان یا زردشت مـو سسـدیـانـت و مـذـهـب زرد شـتی در احوالی قرن هشتم و یا ششم قبل از میلاد مسیح علیه السلام در بلخ بدنیا آمد (۱).

زردشت معتقد به ثنویت خیر و شیر بود، مردم افغانستان آریانای آنوقت این دین و مذهب را پذیرفتند. اندیشه های مذهبی زردشت در میان عرب به معجوسیت و آتش پرستی مشهور است، زردشت باوای کتابی بنام اویستا بود که در آن افکار، نظرات و اندیشه های مذهبی و انسانی وی درج شده بود.

دیانت مذهبی، افکار و نظرات او نیز به اثر مهاجرت ها و تاخت و تاز ها رفت و آمد ها به سایر نقاط جهان آنوقت انتشار یافت (۲).

سرود های زردشت به شکل شفا های حفظ میگردد، سرود های زردشت به شکل اندیشه های مذهبی زردشت بر مبنای خیر و شر استوار بود به بهشت، دوزخ، میزان، حساب و جهان آخرت نیز معتقد بود، زردشت بر ضد ظلم، احجاف و بی عدالتی

۱- فی الفلسفه الاسلامیه موصولاً بها با لفلسفه الیو نیانیه

۲- زمان زندگانی وی به موجب روایات کتب زردشتی معلوم میشود که در حدود ۶۶۰ سال ق.م بدنیا آمده در سن بیست سالگی متزوی گردیده و در سن ۳۰ سالگی یعنی ۶۳۰ ق.م مدعی رهنمای بی شده. در سن ۴۲ سالگی یعنی ۶۱۸ ق.م کشتا سپ باو گزویده و در سن ۸۴ ق.م بسن هفتاد و هفت سالگی هنگام هجوم ارجاسپ تورانی در آتشکده بلخ بهشت ابرا تو کسرتش تورانی کشته شد.

مبارزه میکرد در تما لیم زردشتی در باره تامین حق قمرهم و عدلست
اجتماعی سعی میشد. (۱)

از حقوق دهقانان که اکثریت قاطع جامعه آنوقت را تشکیل میداد
طرقداری میشد. بر ارزش ترین دساتیر زردشت در کتاب او یستیا
درین کلمات خلاصه شده است.

بهدار نیک ، گفتار نیک ، کردار نیک

دوچین حال زردشت یک رهبر روحانی بود ولی مانند کشیش های
آنوقت اروپا ، ثقافت پیشرفت ، ارتقاء ، عدالت ، مساوات و سیر تکامل

ادر مد نیت دوم آریای افغانستان و صفحات شمال هندو کش
که در حدود ۱۲۰۰ ق ، م در بلخ قایم شده بود و در کتاب اوستا از
آن ذکر شده است ، نخستین زما مدبر آن پیمانام داشت که وی بلخ
را اعمار کرد . در آنوقت مردم افغانستان دین معینی داشتند که
دارای قوانین اجتماعی - اقتصادی - مدنی هدايات و راهنمای های
روحی مشخص بود ، که موسس آن مزده یسنه مزدیستا (ستایش خدا)
زده شو ستره (زردشت) نام داشت که مردم را به تمدن شهر نشینی ،
زراعت و مبارزه بر ضد شر و ستم رهنموی میکرد .

که این مطالب و اندیشه های مذهبی ، فکری و انسانی آن در
کتاب وی یوستا نیز ذکر شده است.

پدر زردشت یسورو شاسپه و مادرش دوغدو وجد پدرش پتیر -
گراسپه نام داشت .

- تاریخ مختصر افغانستان ، تألیف پروانه حبیبی .

- افغانستان در مسیر تاریخ ، تألیف میر غلام محمد نجار .

بشری را تنها در قاموس جغرافیای جهان آخرت جستجو نمی کرد. (۱)
 زردشت مانند کشیش های آنوقت اروپایی ، تنها منبهك در بحسث
 جهان آخرت و تشریح اینکه چگونه مردم می میرند و با تنها در جهان
 دیگر چگونه عمل میشود ، نبود، بلکه علاوه بر اینکه مردم را باثر
 اندیشه های مذهبی خود به جهان آخرت و باز پرس متوجه میساخت،
 با افکار و نظرات مذهبی خود مردم را درین جهان به پیشرفت ، ارتقاء
 عدالت اجتماعی ، مساوات ، راستی، کار عملا دعوت مینمود . راه های
 را جستجو میکرد که ، چطور مردم از هر دو جهان استفاده نمایند از
 عزت، تنبلی ، دروغ ، بیکاری ، به سعی و تلاش دسته جمعی ، راستی،

۱- زردشت گفته است . از تومی پرسم ای آهو را چه چیز است
 سزای آن کسیکه از برای سلطنت بد گنشی و دروغ پرستی در کار
 و کوشش است که جز از ازار کردن به ستوران و کارگران ، دهقان کار،
 کار دیگری از او ساخته نمیشود هر چند که از دهقان آزار به او نمی
 رسد هیچیک از شما نباید که به سخنان و حکم دروغ پرست گوش
 دهد ، زیرا که او خان و مان و شهروده را دچار احتیاج و فساد سازد.
 پس با سلاح آنرا از خود ترسان برانید .

خشم باید باز داشته شود . در مقابل ستم از خود مدافعه کنید ای
 کسانی که پادشاه پالک منشان را به توسط راستی خواستارید ، از همان
 راستی که مرد مقدس از دوستان اوست آرامگاه او در سرای تو
 نخواهد بود ای آهو را .

جهت عمران جامعه مرفه متری، که در آن پرتو حق خیر و فضیلت بدرخشید، رهنمایی نماید. که مفهوم این مطالب در اندیشه های وی در کتاب او ایستا مشهود است، با تعالیم اسلام شباهت دارد، از این اندیشه و افکار وی اروپا و یونان آنوقت استفاده نمودند و آنرا آهسته آهسته، تحت نظم علمی و فلسفی در آوردند، که این دیانت در مابعد بر بعضی از فرق اسلامی اثرانداخت احترام بشمار بن برد و ابن مقفع به آتش ازین تأثیر مجزان بود (دکتور غلاب ۲۰۸ فلسفه شرقی)

اندیشه های مذهبی یونان :

اندیشه و افکار مذهبی یونان به افغانستان توسط اسکندر و رئیس اکادمی علوم اوگلیستانس، فیلسوف و مورخ، پسر خواهر ارسطو سرایت کرد. درین وقت تقسیم مناطق بر حسب ستاره ها و کوكب آغاز شد. چون افغانستان بر اساس نجوم به افتاب ارتباط داشت به خراسان یاسر زمین خورشید مسمی شد.

افکار و نظرات و اندیشه های مذهبی یونان متمرکز بر مآوراء طبیعت نبود خدا یان و ارباب النواع مختلف داشتند که دارای صفات، عادات و اخلاق انسانی بودند که گاهی بر مشکلات و شداید غلبه حاصل مینمودند و گاهی شکست میخوردند. بنا برین بر پیروان خود قدرت و توانایی قاطع نداشتند. پیروان شان میتوا نستند از این اندیشه های مذهبی عدول نمایند. و بدون مقید شدن به افکار مذهبی بگرایند، و از تقلید محض منصرف شوند.

بعضی دانشمندان و فلاسفه آنها به تحقیقات علمی می پرداختند و نظرات موافق با تقلید مذهبی نشان نمی دادند. مانند سقراط، افلاطون، ارسطو و امثالهم (۱) که درین راه شکنجه ها تبصید و حتی مرگ را متقبل میشدند.

۱- حرية الفكر و ابطالها في التاريخ تأليف سلامة موسى چاپ بیروت.

همچنان از اشعار یونان قدیم و به خصوص اشعار هو میروس (Homeres) که ملقب به پدر شعرای یونان در غرب است هویدا است که یونیا خدای هم برای عدل داشتند که به تیمس (Themis) مسمی بود که با اساس الهامی که از طرف وی به قضات، روسای قبایل و یا زما مداران میشد طبق آن در قضایای که نزد شان ارائه میشد حکم می کردند و برین احکام الهام شده، اسم تیمس میگذار شتند که به رب النوع عدل، تیمس منسوب بود: (۱).

بنابرین دین و اندیشه های مذهبی و فکری اکثریت قاطع مردم یونان از قله کوه اولمپس بلند نمی شد. یعنی اکثریت قاطع شان در ماوری طبیعت نمی اندیشیدند (۲).

عقیده بودایی :

وقبی ستاره پیشینه ادیان، کیانیو آسپه ها در افغانستان افول کرد اندیشه بودایی در جنوب آریانا حلول کردو میان دو مذهب مجادلات ادبی آغاز شد.

چون حکام افغانستان مذهب بودایی را پذیرفتند مذهب بودایی غلبه حاصل نمود مگر مردم بعقیده، افکار و اندیشه های مذهبی سابق خود تمایل داشتند.

چندرا گپتامور یا در ۳۲۴ ق.م نظرات، افکار، عقاید و اندیشه های مذهبی بودایی را، بوسیله مبلغین بودایی در افغانستان رایج ساخت. آمدن سنگندر به افغانستان و دوام زمامداری باز ماندگان شان بعد از

اصول تاریخ القانون، تالیف دکتور عمر منلوچ مصطفی ۱۹۵۴
مطابع البصیر بالا سکندریه.

۲- اضاء : علی میا بن الفللسفه والعلم واللقه والفن والادب تالیف صلاح الدین سلجوقی طبع شرکه اعلا نات شرقی ۱۹۶۲ م.

مرگ او، در باختر، نفوذ، فرهنگ، هنر، عقاید و اندیشه های یونانی را در اینجا باقی گذاشت، این افکار و نظرات، فرهنگ و پدیده های یونانی که با فرهنگ، عقاید و اندیشه های اسیل افغانستان آمیخته شده بود با عقاید و اندیشه های دیگر بر خوردند که ظهور زمامداری موریای در هند بود.

اگر چه از نظر سیاسی، سلطه موریای در قسمت های شرقی آریانا افغانستان آنوقت دوام زیادی نداشت و در اینجا حکومت مستقل یونان باختری تاسیس شد، مگر در همین زمان کوتاه زمامداری موریای و مبلغان آن، دین بودایی را در شرق آریانا انتشار دادند که بالآخر سه عنصر مهم بیکدیگر آمیخت که بنام گریکو بود یك باکتریان در تاریخ فرهنگ افغانستان مشهور است.

هنر، فرهنگ دیانت بودایی هزار سال تا نفوذ اسلام در افغانستان باقی ماند که عناصر مهم آن در تاریخ مختصر افغانستان اثر پوهاند حبیبی چنین ذکر شده است.

۱- عناصر فرهنگی، هنری و عقیده ای باختر یا داخلی خود این سر زمین.

۲- صنعت و عقیده و فکر یونانی که با اسکندر در حدود ۳۳۰ ق.م آغاز یافته بود.

۳- هنر، فرهنگ و دین بودایی با آثاری هندی خود، که با سلطه موریای یکجا آمد، (۱).

۱- موسس زمامداری موریای در هند چندرا گوپتا رسند رو کتسین یونانی است که منسوب بیکی از شهزاده بانوهای خاندان شاهمی ننده که میوره (طاوس) نام داشت و اواز طبقه کشتریان و طاقتور چپوت و شهزاده گان بود که در سال ۳۲۴ ق.م به زمامداری رسید و در ۳۰۰ ق.م وفات یافت.

تاریخ مختصر افغانستان اثر پوهاند حبیبی، ۴۵.

مردم افغانستان با وجود بقایای عقاید کهن ویدی، و بر همنی قدیم که در شمال و غرب کشور داشتند بائر فعالیت آشوکا در نشر دین بودایی مدت هزار سال این دیانت نیز در شرق و شمال کشور رایج بود. که از نظر فکری و فرهنگی و اندیشه‌های مذهبی تأثیرات عمیق و ژرفی را در زندگانی مردم این سرزمین گذاشت.

موسس دین بودایی بودا فیلسوف هندی شهزاده از قبیله ساکیا یا سکیا که به زاهد او یا دانشمند طایفه ساکیا معروف است به روایات مختلف تاریخ در حوالی قرن ششم و یا ۳۰ ق.م در شهر (کپی لاوا ستونیپال) که در زیر نفوذ زمامداری پدر وی بود بدینا آمد.

و بنام های (سیدرا تاگو ناما) و (سکیا موتی) که به صفت دانشمند فیلسوف و زاهد قبیله و طایفه ساکیا یا ساکیا معروف است.

بودا به يك روایت که سن وی از بیست سال تجاوز کرده بود و بروایت تاریخ مختصر افغانستان به ۲۹ سالگی رسید حیات خانوادگی را ترك داد و به گوشه گیری، تفکر و مجالس علم بر همانان وزهد و تقوی گزاید، پنج یا شش سال بکلی از مردم دوری جست، بعد از آن در میان مردم نمایان شد و اعلان کرد که او بودا یعنی فیلسوف و حکیم گشته و به درجه علم اعلی رسیده است و این مطلب برایش الهام شده است. (۱)

بودا به تبلیغ دین خود پرداخته امرا و زما مداران هند را به دیانت، عقیده و اندیشه مذهبی خود دعوت کرد، بعد ازینکه اکثر مردم هند به

۱- فی الفلسفة الاسلامیة وصلاتها با لفلسفة الیونانیة.

تالیف دکتر محمد السید نعیم و دکتر عوض الله جاد حجازی.

اندیشه های مذهبی و فکری او گرائیدند بمعر (۸۰) سالگی در سال ۴۸۳ ق.م در کوچی نگره وفات نمود (۱).

دیانت بودایی یا نفوذ سلطه آشوکا، که به قدرت رسید از جنوب هندو کش تا قند هار انتشا ریافت، جرگه بزرگ سوم این بودایی به قیادت آشوکا و ریاست عالم بزرگ بودایی، موگالی پوتاتیسا، دایر گشت، که در آن علاوه بر ترتیب و تدوین دساتیر مذهبی تصمیم گرفته شد که يك تعداد از مبلغان بودایی به کشور های دیگر آنوقت فرستاده شوند (۲).

بودا در مسایل فلسفی زیاده پرسیده بود مگر پیروا نش بیانات اندیشه ها، افکار و عقاید مذهبی او را تنظیم کردند که به تدریج به دو مذهب تقسیم شد.

۱- مپاپانه، مذهب بزرگ که در شمال هند، تبت، چین و تا جاپان انتشار یافت.

۱- بعد از وفات بودا سه نفر طرفداران وی که در دین بودایی معلومات کامل داشتند و آنها عبارت بودند از آنانده یوپالی، کاسیابه، سخنان بودا و جمع و از آن مجموعه از دستور های بودایی را بنام Triptaka (سه سید گل) تدوین نمودند. تاریخ مختصر افغانستان تالیف عبدالحی حبیبی.

۲- آشوکا در سال ۱۴ زما مداری خود ۲۵۶ ق.م در فرمان سنگی نمبر ۱۳ خود که نقر کرده است از آن واضح میشود که چند نفر مبلغ بودایی را بنام های مجهان تیکه، مدھیان تیکه، دهه مراکیه نه، مهار کپینه به گندهاره و صفحات شرقی آریانا فرستا دهاند این مبلغان که دو تا (Douta) نام داشتند در حدود ۲۵۸ ق.م مشغول تبلیغ دین بودایی بودند.

تاریخ مختصر افغانستان اثر پوهاند حبیبی.

پیروان این مذهب به این عقیده اند که هر فرد جزئی از کل انسان است و همین انسان جزوی از کل بزرگ تر است که تحت قانون دهرمه (کیش) و عمل آمده است پس شخصی که بخواهد از شر نجات یابد از دیگران جدا نشود سعی و تلاش دسته جمعی باشد نه فردی. که این جدو جهد ، انسان را به مقام بودی ستوه Bodhistva میرساند ، که حالت دانشمندانه زندگی است ، که خدمت کردن به مردم است . بنا انسان دو هدف دارد :

۱- تحصیل دانش .

۲- خدمت و مهربانی به غیر از خود .

از این فلسفه و اندیشه فکری و مذهبی در می یابیم که بودا در ذات خود دارای روش و اندیشه یی بود که باید عدالت ، مساوات از مذهب و دیت برآید و در خدمت عموم مردم قرار گیرد .

مذهب دوم ، هینه یانه یا مذهب کو چک یاد میشود ، این اندیشه یی مذهبی بودا ، بیشتر در هند جنوبی پیروان دارد و بر سعی فردی متکی است ، درین زمینه کتاب های بزبان پالی نوشته شده است .

مگر کتب و اندیشه های مذهب بزرگ بودا بزبان سانسکریت می باشد .

بعد از آغاز میلاد در شهرهای افغانستان پیروان هر دو مذهب زیست میکردند و در معابد بودایی مربوطه ، به عبادت می پرداختند ، بودا در تعالیم خود نظام طبقاتی را که در دین برهما نی وجود داشت مورد شمسرد و توضیح کرد که مردم با هم در حقوق و وجایب مساوی اند و مردم را به برادری ، مساوات ، رحمت ، ترحم بر ضعیفان و صلح و دوستی دعوت کرد .

بودا اندیشه های فکری مذهبی و فلسفی خود را بر هفت اصل استوار ساخت .

عقیده پاك ، اراده پاك ، رفتار پاك ، روزی پاك ، كوشش پاك ، سخن پاك ، توجه پاك .

و علاوه کرده است که هر که بر این هفت اصل عمل کرد، از قیود منزّه میشود ، و فکر او به نقطه‌یی که رهایی کامل از قید خوا هشات است متمرکز میشود ، نگاه چهارمقام دیگر را طی می نماید .

۱- سعی در جهت دانستن راستی .

۲- تفکر برای دریافت حقایق .

۳- تفکر عمیق و سکون .

— سکون و توازن کامل که (نروانه) فنا نامیده میشود . که اندیشه های مذهبی و فکری این دیانت بر بعضی متصوفین و فلاسفه اسلام مانند متصوف صلاح و محی الدین عربی و هم بر فارابی ، غزالی و غیره نیز تاثیر انداخت . (۱)

فوشه محقق فرانسوی در علل و موجبات نشر اندیشه های فکری و مذهبی یودا مینویسد :

مردم شرق آریانا که با تجاوز مهاجمان روبرو بودند بعد از لشکر کشی های هخامنشی اسکندریه و چندرا گوپتا این دین را که از خون ریزی بیزار بود و راه و رسم از خود گذشته گی ، صلح آرامش و خوش — بینی را سفارش میکرد با طرز تفکر خود موافق یافته مردم دهقان و کار — گرانرا به سهولت پذیرفتند . (۲)

۱- مدینه فاضله اثر فارابی ، میزان عمل و احیاء العلوم تا لیف امام غزالی

۲- تاریخ مختصر افغانستان تألیف پوهاند حبیبی .

کوشانیان

در حدود ۱۶۵ ق.م قبایلی که با ساکها و سیتی های آریایی هم نژاد و از نژاد آریایی شمال شرق، محسوب میشدند، به نام یوچی یاد میشدند. دو باختر سکو ————— تاختیا رکردند.

بین آنها و تخار ها، آمیزش میان آمد که قبیله معروف کوشان یکی از قبایل این مردم بود. نخستین زمامدار این طایفه کد فیزس بود.

Kajuqa Kara Kadphises که در مدت زمامداری خود توانست ۱ نفوذ خود را بر تمام خاک آریانا قایم سازد. و اساس کشور بزرگ افغانستان را بگذارد، او به عمر ۸۰ سالگی در حدود (۷۸) بعد از ۳۸ سال زمامداری وفات یافت بعد از وی پسرش یماکد فیزس زمامدار حکومت شد، سپس زمامداری کوشانیان بزرگ در حدود (۱۲۵) م یا ۱۲۰ م به کنشگاه رسید، که مرکز وی در زمستان پشاور و در تابستان بگرام کاپیسا بود و بین ۱۲۵ یا ۱۲۰ و ۱۶۰ حکومت کرد. کنشیکا دین بودایی را پذیرفت و طبق آشنو کا به نشر و تبلیغ آن سعی نمود. جرگه بزرگ دین بودایی را مشتمل بر (۵۰۰) نفر عالم مذهبی در سر ینگر کشمیر برای رفع اختلافات که در طبقات روحانی مربوط به این آئین و مسلک رخ داده بود تشکیل نمود. درین

چرکه دینی که به شمول علما و دانشمندان مذهبی کند هار علما و دانشمندان دربار کنیشکا بریاست رهبر روحانی هفتم بودایی و اسو-
متره (Vasumtra) عالم مذهبی کند هاری تشکیل شده بود

چنین تصمیم اتخاذ شد که مذهب قدیم هینه یانه (Hina-Yana) مذهب کوچک را که بعد از وفات بودا مدت پنج قرن معمول بود، مورد تعدیل و تجدید نظر قرار دهند. این مذهب که تقوی ساده و تهذیب نفس را سفارش مینمود به مذهب جدید مهایانه (Maha-Yana) تعدیل یافت که از طرف روحانی بنام ناگار جونه (Nagarjuna)

رتیب شده بود. در مذهب کبیر بودایی که در مابعد در آریانای شرقی هم رواج یافت بجای دساتیر ساده اخلاقی مذهب کوچک، چنین تلقین میشد، که شخص بایست به مقام بودایی آینده روشن شده بود بدستوه (Badhisattva) ارتقا نماید و هم باید بجای نمایش پای علایم دیگر بودا، مجسمه های تمام و کامل او را مانند ارباب النواع دیگر آریانا که در صنعت یونان و باختری رواج داشت بپرستند و زبان سانسکریت را به جای زبان پالی جنوب هند زبان مذهبی قرار دهند. بنابراین مذهب کوچک قدیم مذهب جنوبی و مهایانه مذهب شمالی شمرده می شود.

هنگامیکه کنیشکا دیانت بودایی را پذیرفت. بر مسکوکات خود که قبلا ارباب النواع دیگر آریانا را نقش میکرد صورت کامل بودا را منقوش نمود. و با اینصورت طرفداران مذهب بزرگ توانستند خود را از مذهب کوچک جدا ساخته عقاید و دساتیر زندقگی در عالم بودائیست را انتشار دهند و اندیشه مذهبی خود را تفسیر نمایند.

در عصر گوساشا (گوساشا) نمایان در وقت زمانه کنیشکا : علما، دانشمندان علوم، و ادبیات علما، دانشمندان علوم، و ادبیات احترام و رعایت خاص آن دوره بود. مانند روحانی برناگار جونه مؤسس مذهب کبیر بودایی آسوه گهوشا (Asvaghosha)

نویسنده حماسیات و درامه های عالی و نویسنده بزرگ علوم طبی
چره که وپارسوا مشاور دینی و سدره سه مبلغی که کنیشکا را
بدیانت بودایی جذب کرد .

تعدد عقاید و اندیشه های مذهبی و فکری در عهد کوشانیان
مورد احترام بود طریقه های زردشتی ، بودایی ، برهمنی یونانی
مساو یانه از طرف دولت حمایت و احترام میشد ، کنیشکا درمسکوکات
خود تقریبا تمام ارباب النواع مشهور قلمرو خود را نمایش میداد
چون کنیشکا به دین بودایی گرائید این دیانت در ساحه وسیع تری
پیش میرفت (۱) .

در دوره کوشانیان دانشمندان ، علمای دینی و مذهبی و
روحانیون در بین جامعه مورد احترام بودند عقاید و اندیشه
های فکری و مذهبی شان رعایت می شد دولت آزادی کامل را در انجام
وظایف دینی و مذهبی شان قایل بود . فرهنگ و ادب مخصوصا از
ناحیه اندیشه مذهبی بودایی منکشف بود .

صنعت یونانو باختری که از آغاز قرن اول مسیحی رو به ضعف بود
جای خود را به صنعت یونانو بودایی که شعبه صنعت گریکویا-
کتریان بود گذاشت .

این روش و مسلک جدید که از آمیزش اندیشه های مذهبی بودایی
و طرز تفکر صنعتی یونانی بوجود آمده بود باساس مهارت اهل صنعت
افغانستان بسیار انکشاف کرد . و در قرن دوم و سوم میلادی دین
بودایی در چین و آسیای مرکزی گسترش یافت .

معبد مکشوفه در کاپیسا و آثار مکشوفه از معابد سترک هندهو
شمر غار با مجسمه های بودایی و معابد در افغانستان ، مربوط به
قرنهای اولیه میلادی و متعلق به دوره کوشا نیان است ، که

۱- افغانستان در مسیر تاریخ تالیف غبار ص ۵۱ .

البته قبل از کنیشکا دین کد فیزس ها شیوا آنها بود .

نماینده گی از آزادی دین و مذهب و صنعت ، انکشاف و پیشرفت آن مینماید .

تمثال بودایی کبیر ۵۲ متر دروادی بامیان و سلسله جبال هندو- کش و تمثال خورد آن ۳۵ متر که به قول راجع در اواخر قرن اول میلادی کار کردن کاری آن در عهد کنیشکا آغاز و در قرن دوم میلادی بسر رسید .

صفت آورد مهمی از اندیشه های مذهبی و صنعت این دوره است . در دوره اکو شانیان به خصوص در عهد کنیشکا در سر زمین افغانستان قدرت مرکزی اداره به میان آمد ، تحولات فکری و اندیشه های مذهبی و علمی آزاد گسترش یافت . (۱)

دوره عظمت کوشانیان از عهد کنیشکا در حدود ۱۲۵ م آغاز و در حدود ۲۹۰ در باواسو شکه ختدم میشود . که در حدود یک قرن و ربعی را در بر میگیرد .

در دوره کوشانیان مبادی فکری و فرهنگی قدیم ویدی ، اویستانی کشور ما با آثار مدنیت های هخامنشی ، هندی ، یونانی بودایی آمیزش یافته است . عناصر اخلاقی ساکها و یستی اریا ثیان تورانی شمالی هم در آن دخیل گشت و فرهنگ بسیار قوی را به وجود آورد . که از نظر اندیشه ها افکار و عقاید مذهبی آزادی کامل در آن رعایت میشد .

آتشکده های مزدیتای آتش مقدس ستوپه های بودایی که در آن آثار مقدس بودایی حفظ و پرستش می شد . ارباب انواع هندی و یونانی

۱- کنیشکا ۲۲ سال زمامدار دوره کوشانیان بود . و تخمین در حدود ۱۵۱ م در گذشت . تاریخ مختصر افغانستان پوهاند حبیبی .

که در معابد و بر مسکوکات وجود داشت همه و همه از نشانه های آزادی فکری و بیان و اندیشه های مذهبی نماینده گی میکرد .

با وجود یکه کنیشکا و پسرانش از دین بودایی پیروی میکردند باز هم معابد ادیان و مذاهب دیگر با پیروان شان در سرتا سر کشور پهناور کوشانی وجود داشتند . (۱)

مظاهر آزادی عقیده و آزادی اندیشه های دینی و مذهبی درین عصر این هم است که در تکسیلاکه مرکز تهذیب و اخلاق واند - یشه های مذهبی بودایی بود دیوارهای بنای آتشکده یی موجود یوده که ۱۵۸ فـت درازی و ۸۵ فـت پهنایی داشته ستونها و سلیقه معماری آن یونا نی بود . و واضح است که بعد از انتشار مدنیت یونان و باختری تعمیر شده است ، علاوه بر این آتشکده معابد بودایی و بتکده برهمنی نیز در آنجا بوده که پیروان هر دین و مذهب با آزادی کامل متاسک دینی و اندیشه های مذهبی خود را پیش می بردند .

۱ - بگونه مثال ، در معبد مہارانه بفلان که در کتبه مکشوفه از آن، در عهد کانیشکا ساخته شده و باز در حدود ۱۶۰ م آنرا ترمیم کرده اند آثار آتش مقدس و معبد زرد شتی را یافته اند .
ترمیم کننده آن از خاندان ماریگ (Marig) و نامش نوکونزیکي بود .

در معبد مہادژ بفلان آثار آتش پرہی و در کتیبه خوات وردک علایم کیش بودایی موجود است .
این معبد در عهد کنیشکسا تعمیر شده است . که در بین هر دو معبد (۲۰) سال فاصله است .

ظهور اسلام

اسلام که در نیمه اول قرن هفتم میلادی به ظهور پیوست یکی از حوادث تاریخی بسیار عظیم و بزرگی است که در جهان و قوع یافته به خصوص اینکه این دین مجرای تاریخ را عوض کرده و عالمی به وجود آورده که با عالم ما قبل خود تفاوت و فرق کلی دارد .

باید یقین کرد که هیچ دینی این تأثیر را در سر نوشت تاریخ و جهان نداشته است و هیچ مرامی به این سرعت پیشرفت ننموده و عالمگیر نشده است ، سرعت انتشار اسلام و امتداد فتوحات اسلامی در سه قاره معروف آنوقت یکی از شگفتیهای تاریخ است که سزاوارانست تا خاور شناسان و باختر شناسان در برابر آن توقف کنند و تأمل نمایند .

اسلام که روزی در مکه بدون یاری و یابوری ظهور کرد و پیروان محدودش مورد شکنجه و عذاب اهل مکه قرار گرفته بودند و خود پیغمبر سالها تحت حمایت کاکایش ابو طالب بسر برد ، طوکی نکشید که انوار پر فروغش بر سراسر جزیره عرب پرتو افکند و از آنجا بر شا-
هنشاهی پر عظمت و بزرگ سا سانی و امپراطوری بزرگ روم

سایه افکن شد و ربع قرن طول نکشید که بساط فرما نروایی دولت اولی را بر چید و ارکان امپرا طوری دوم را چنان متزلزل ساخت که آنرا آماده سقوط کرد و در همین مدت کم بر قسمت عظیمی از متصرفات آسیایی و آفریقایی آن دولت استیلا یافت .

هنوز بیست سال از رحلت صاحب دعوت اسلامی (پیغمبر اسلام) نگذشته بود که اسلام از غرب به آبهای اوقیانوس اطلس و از شرق بار تفاعات پامیر رسید و آن مسلمانان مستضعف که مورد شکنجه و آزار بودند فرمانده یک امپرا طوری عظیم و بی نظیر شدند ثروت های خزاین جهان در تصرف آنها در آمد ، این پدیده شگفت انگیز که تاریخ و تاریخ نویس را به حیرت و تعجب آورده شایسته آن است که مورد بررسی دقیق قرار گیرد و در زمینه ریسرج لازم به عمل آید و در علل و موجبات آن تحقیق و کنجکاوی شود .

تاریخ شاهد است که هیچ دولتی به این سرعت نتوانسته است چنین کشور بزرگی ایجاد و تشکیل نماید ، و هیچ فاتحی قادر نیست در این مدت کوتاه به این همه فتوحات نایل شود ، البته بعضی فاتحین بوده اند که مدت کمی توانسته اند اراضی و کشور های وسیعی را در قلمرو خود شامل سازند ولی آنها نتوانسته اند دلها را تسخیر نمایند و شاهد فتح نهایی را در آغوش بگیرند ، و از فتوحات خود بهره مند شود ، طولی نکشید که به سر نوشت شوم می گرفتار شده و عظمت و بزرگی خود را از دست داده و کشور های اصلی خود را هم گرفتار مصایبی نبوده اند . در صورتیکه اسلام در فتوحات خود موفق بوده و مدت هفت قرن امپرا طوری بزرگی را خلفای اسلامی اداره و طور مستقیم یا غیر مستقیم بر آن حکومت میکردند و بعد از آنکه این امپرا طوری محکوم به تجزیه شد به کشور های تقسیم گردید که لوای اسلام در آنها به اهتزاز بود و موسوم به کشورهای اسلامی شدند .

و به استثنای اندلس (اسپانیا) هنوز بنام کشور های اسلام می موسوم اند ، این فتوحات که از سال هشتم هجری با فتح مکه شروع شده و تقریباً تا اواخر قرن دوم اسلام می ادامه داشتند بیرق مقدس اسلام را بر قسمت بزرگ دو قاره آسیا و آفریقا و ناحیه شبه جزیره جنوب غربی اروپا بر افراشته و يك امپراطوری دامنه دار بز رگی به وجود آورده است ولی باید گفت مهمترین فتوحات در همان قرن اول اسلام می و در نیمه قرن اول آن صورت گرفته است .

در آن روز که اسلام در مکه ظهور کرد و هیچ کس باور نمی کرد که روزی به عظمت چهل سال بعد خود برسد ، بزرگان قریش با چشم تمسخر به آن می نگریستند ولی خدا (ج) خواست که دین محمد (ص) جهانگیر شود و این خواست خیلی زود و به طرز باور نکردنی انجام یافت .

سرعت شکفت آور اسلام و سرزمین های شگرفی که در مدت کمی بر آنها حکومت کرد قابل بسی دقت و ملاحظه است و علل بسیار دقیق و قابل توجهی دار که به ذکر آنها می پردازیم :

اول عقیده راسخ مسلمانان به قصد دعوت : مسلمانان از صمیم قلب معتقد بودند که دین اسلام برحق است و آنچه رسول اکرم اظهار میدارد از طرف خداوند است و صدق محض میباشد که شك و شبهه در آن راه ندارد و این عقیده در مسلمانان با اثر معجزات و بر خی پیشگویی های قرآن به وجود آمد .

دوم - عشق و علاقه مسلمانان به نشر اسلام و هدایت مردم به راه راست بود : مسلمانان خود را مأمور میدانستند دین خدا (ج) را ترویج دهند و پیغمبر را مبعوث برای عموم مردم میدانستند .
(و ما ارسلناك الا كافة للناس) چون رسول اکرم (ص) جز راستی

و درستی را بیان نمی فرمود و گفتارش حق و صدیق بود مسلما نان معتقد بودند که باید دین اسلام عالمگیر شود .

نشر اسلام در داخل و خارج جزیره عرب صورت گرفته و به این پیروز یها نایل آمد شگفت آورتر آنکه این پیشرفتها در نشر اسلام شامل تمام خاور نزدیک ، خاور میانه و بخشی از کشور چین بود و در مدت بسیار کوتاهی که از ربع قرن تجاوز نکرده است صورت گرفت ، و از خاور به باختر تا پامیر سرایت کرد که سرا سر شبه جزیره (ایبری) رانا (پورینه) که در شمال سلسله جبال (پیر یشم) است فرا گرفت .

یکی از مهمترین علل نشر اسلام همانا صدق دعوت بود که خداوند بر زبان پیغمبر خود به مسلمین که در بدو بعثت خواری و تکلیف کشیده بودند وعده صریح داده بود که در مابعد اسلام در جهان انتشار می یابد، مسلما نان معتقد بودند که خداوند (ج) آنها را یاری میکند و فتح پیروزی از جانب خدا است. بنا برین همه مسلما نان چه زن و چه مرد چه جوان و چه پیر در نشر اسلام سهم می گرفتند که بالاخره اسلام در مدت کم از اوقیا نوس اطلس تا پامیر رسیده .



نشر عقیده اسلام در افغانستان

مردم افغانستان عقاید، مبادی و اندیشه های فکری، دینی، مذهبی، اخلاقی، هنری و فلسفی خود را فراموشی نمی کردند. دایم در باره نشیب و فرازی که به آنها می آمد فکر میکردند راه نجات و اعتلای خود را با مثانت، حوصله، صبر و درایت کامل جستجو میکردند. از عدل، حق خیر، برادری، مساوات، صلح، عدالت اجتماعی و امثال آن که با طرز تفکرشان آمیخته شده بود با استقلال فکری، پشتیبانی میکردند. که بالاخره در نیمه اول قرن هفتم میلادی نور اسلام در جزیره عرب درخشید. درین وقت افغانستان در تحت نفوذ زمامداران محلی وادیان شرقی و غربی قرار داشت. سمت غربی که عبارت از سیستان، هرات و توابع آن بود تحت نفوذ سیاسی، فرهنگی دینی و مذهبی دوره ساسانیان بود که دیانست زردشتی و زبان پهلوی داشتند. در ساحه های مرکزی و زابلستان و وادی دریای کابل بنام گندهارا و وادی ارغنداب تا سلسله جبال هندوکش و شمال آن و کرانه های سند، زمامداران محلی از بقایای کوشانیان و یفتلیان بودند که از دیانت های بودایی و برهمنی پیروی میکردند که کلتور، فرهنگ، دین و اندیشه های مذهبی شان شکل محلی داشت و واضح بود که آزادی

عقیده و اندیشه های فکری و مذهبی موجود بود . مردم ، دارای معابد و مذاهب متعدد بودند .

و قتیکه دین اسلام در زمان خلافت حضرت عثمان (رض) به خراسان افغا نستان رسید مردم افغا نستان با مسرت و شادمانی این عقیده را با استثنای زمامداران آنوقت پذیرفتند زیرا در آنوقت مجادله فکری ، فلسفی و مذهبی شدید میان دین زردشتی و دین یودایی بود ، دین اسلام در ایمان بخدا ، روز آخرت ، جزا حساب و میزان با اندیشه زردشتی دین افغانها موافق بود . روی این منظور مردم افغا نستان به دین اسلام با محبت رو آوردند و دین اسلام را پذیرفتند و به تنظیم ، تدوین و تالیف علوم اسلامی ، علوم قران ، زبان و ادبیات ، نحو و صرف عربی و سایر علوم آغاز کردند ، در ادب و ادبیات نحو و صرف سیبویه ، زمخشری ، سکاکی نبوغ پیدا کردند و به تدوین آغاز نمودند در فقه اسلامی حقوق اسلام و حدیث امام ابو حنیفه ، ابن حنبل ، بخاری قتیبه و ترمذی شهرت حاصل کردند در علوم قرآن و تفسیر مانند رازی و سجا و ندی بمیان آمدند . در فلسفه و منطق و علوم طبیعی ، ابن سینا ، فارابی ، بیرونی ، جابر بن حیان و میرزاهد هروی و در علم اخلاق ، غزالی و در فن عسکری ابو مسلم خراسانی و در تصوف جلال الدین بلخی ، جامی ، سنایی و امثال شان قد علم کردند . افغانها توانستند ثقافت ، کلتور و فرهنگ اسلامی را در تمام حصص افغا نستان ، کشور های همجوار و منطقه ، نشر و گسترش دهند . و در نشر و گسترش دین و ثقافت اسلام پیش قدم شوند .

سلطان محمود غزنوی توانست در هند ثقافت کلتور ، دین ، ادب فلسفه و تصوف اسلامی را گسترش دهد .

در زمان دولت صفاری و پیش از آن مردم افغا نستان با طاهر بادغیسی درین راه قربانیهای زیادی دادند و در تنظیم خلافت بغداد سهم بارز و شایسته را گرفتند .

نتیجه و خلاصه بحث

از خلال اندیشه ها ، افکار و نظرات مذهبی و تمدن دوره کوشا-
نیان بر میاید که دوره کوشا نیها دوره خاص تمدن و فرهنگ افغا-
نستان است که از نظر هنر معماری، هیکل تراشی ، مجسمه سازی،
زبان ، ادبیات ، علوم و معارف اندیشه های مزدوج مذهبی خصوصیت
خالص افغانی دارد. چنانکه میسیوف فوشه فرا نسوی نوشته است که،
صنعت کوشانی را از ابتکار این دوره می تو ان یافت ، زیرا نوعیت
ستوپه های این دوره بسپو لت از زمان ابنیه آشوکا متمایز است و
ستوپه های آشوکا به بالای قلات ایران نیامده ولی ستوپه های
کنیشکا و جانشینان وی به اسانی به جلگه هند راه یافته است . حتی
در حومه جنوب شرقی پایتخت جدید پورو شا پوره (پشاور) امپرا طور
کوشان ، بزرگترین بتخانه را بنانموده است (۱). دکتر هرمن
المانی استاد تحقیقات در باره هندراجع به هنرو مدنیت دوره کوشانی
نوشته است :

۱- تاریخ مختصر افغانستان تألیف پوهاند حبیبی .

هنر یونانی به تغییر فرم هنرهای هندی نموده و به صورت اهرت مدرسه گند هارا در آمد.

ولی این هنر را باید کمتر توسعه شیوه یونانی و بودایی توان گفت: بلکه توسعه شیوه شرق ایران (آریانا) است که بمو ازات آن در تحت حکمفرا مایی قبایل ساکه های جنوب شرق و کر شانیان بسط یافته است. حتی تا قرن سه و چهارم میلادی طوریکه در معاابد هروان کشمیر دیده میشود یک هنر کاملاً خالص مانده است. (۱) عقاید افکار و اندیشه های مذهبی اولی افغانستان بدو شکل جلوه کرد.

۱- به شکل خیر و شر، طوریکه در عقیده زردشتی در اوپستا ملا حظه میشود پیروان عقیده به جهان واپسین معتقد بودند.

۲- به شکل دورانی که پیروان این عقیده و اندیشه مذهبی تقریباً مانند فیثا غورس ها میباشند ولی بفرق اینکه فیثا غورس قوام عالم را بر اساس ریاضی میدا نسبت سعی میکرد جهان عقاید افکار و نظرات دینی، مذهبی و اخلاقی را بر اساس افکار طبیعی استوار سازند.

پیروان این عقیده به حیات دیگر عقیده نداشتند، مجازات و مکافات هر دوره را خواه ارتقایی می بودویا قهقرایی نتیجه طبیعی و هیکا حکمی دوره سابق می شناختند. (۲)

مطالعات دقیق و همه جانبه نشان میدهد که در دوره کوشانیان آزادی عقیده و اندیشه های مذهبی با کمال دقت رعایت میشد، علاوه از اندیشه مذهبی مردم افغانستان که زردشتی بود، با ورود افکار، عقاید و اندیشه های مذهبی یونانی، بودایی، برهنی، ثقافت، کلتور،

۱- مرجع مذکور

۲- مقدمه علم اخلاق تألیف و ترجمه صلاح الدین سلجوقی سال

۱۳۳۰ طبع کابل

دین و آئین شان صبغه محلی را به خود گرفته بود . و چنین واضح می شود که از اوایل قرون میلادی آزادی عقیده و اندیشه های مذهبی خنکتر ما بود ، معابد متعدد به طرف موجود و عمار شده بود . در پنج قرن اول میلادی صنعت ، تمدن ، اندیشه های مذهبی گریکو بودیک آدیان و تمدن مخلوط در محل تقاطع خود ، سر زمین تکسیلا و مجاری هلمند و شمال تا بلخ و تخارستان موجود بود و مردم افغانستان در بدید آوردن این مذهبیت به خصوص در دوره گو شانیان دستی داشته اند .

تا قرن هفتم و ظهور دین اسلام دیانت های زردشتی ، بودایی مهر پرستی سبطوری مسیحی ، و پرستش برخی از ارباب انواع و معبودان محلی درین سر زمین رواج داشت . که این افکار و نظرات را یونانیها از این سر زمین بحیث مواد خام کسب کردند و به کشور خود و سایر کشور ها صادر نمودند . ولی در آنوقت این صنعت را علمی دانستند ، که به آن افکار ، و نظرات وجهی بدهند و یا بر آن ، حجتی اقامه کنند . آنها حقایق را بجدس می دانستند ، ولی فکری را بر آن ها مرتب کرده نمیتوانستند و به صورت علمی نمی اندیشیدند مگر یونان دستگاه میکا نیزم فکر واستدلال بود که مردم آن مواد خود را بیشتر از آنچه استحصال میکردند از این سر زمین ها وارد مینمودند .

اگر بدقت مطالعه نمایم هیرا کلیتوس (۱) پیرو عقیده اولو

۱- هیرا کلیتوس ، فیلسوف یونانی در قرن ۶م مقیم افیسس مشهور به فیلسوف گریان بمناسبت عقاید و نظرات حزن آوری که نسبت به زندگی داشت ، وی یکی از فلاسفه ماورا طبیعت و میتا- فیز یسین های اولیه است وی می گوید : آفتاب از انجام وظایف خود با کوتاهی نخواهد کرد . و اگر کوتاهی کند و شیشه گان عدالت او را از صحنه بیرون خواهند کرد .

دمقراطیس (۱) پیرو مکتب دوم است. (۲)

در دوره کوشا نیان به خصوص در دوره زمامداری کنیشکای بزرگ از یکطرف علوم ، فنون صنعت، فرهنگ و هنر سعی و تلاش میشد، و از جانب دیگر اندیشه های مذهبی بوجه درست رعایت میگردد ، آزادی افکار ، عقاید و نظرات مذهبی مورد احترام دولت بود که این عمل موجب مجاذلات فکری در باره طبیعت و ماورای طبیعت میشد .

هر آنوقت لازم بود که هر زمامدار اندیشه های دینی و مذهبی را رعایت کند و خود وی صاحب عقیده و افکار مذهبی میبود در غیر آن افکار عامه بر علیه آن قرار میگرفت مردم از تصامیم ، احکام ، قطعات و سیاست های اقتصادی ، اجتماعی، فرهنگی و طرز تفکر سیاسی وی در امور دولت پیروی و پشتیبانی نمی کردند .

که این افکار و نظرات شرقی به صورت مواد خام به یونان و اروپا نیز منتقل شد و تحولات فکری علمی ، و فلسفی را به میان آورد. تعدادی از دانشمندان از آنوقت تقلید محض چون پرو تاگوراس ، هیرا کلیتوس ، فیثا غورس ، ديمقراطیس ، سقراط ، افلاطون ، ارسطو و امثالهم دست کشیده به تفکر علمی مجاذلات فکری با آنکه محدود دیت های شدید موجود بود پرداختند . بر حالت رهبا نیست و

۱- ديمقراطیس از لحاظ تبحر در علوم در قرن ۵ میلادی دارای همان مقامی بود که ارسطو در قرن چهارم میلادی داشت و شیرین زبانیش را نظیر افلاطون گفته اند و برخلاف هیرا کلیتوس ، طبعاً خوشبین و شاد بود و حکیم خندان نامیده میشد .

۲- مقدمه علم اخلاق تألیف صلاح الدین سلجوقی سال ۱۳۳۱

طبع مطبعه عمومی کابل .

تاریخ فلسفه سیاسی .

سیر حکمت در اروپا تألیف محمد علی فروغی .

و تقلید محض انتقاد میکردند . به مطالعات و تفکر علمی می گراییدند . برخی به تناسخ قایل میشدند و دیگری به ماورای طبیعت می اندیشیدند . واز آزادی فکر و بیان حمایت میکردند . مردم را بخواندن و دانستن کتب و نظرات دانشمندانی که در کتب علوم طبیعی غیر از الیهات آثاری داشتند ، محرمانه تشویق میکردند . مردم را می فهمانیدند که بدون مراجعه به کاهن رهبان و کشیش به عبادت پردازند و از پرستش خدایان متعدد که ساخته دست شان است منصرف شوند که بالاخر با این طرز تفکر مسایل حقوقی سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی مردم مطرح بحث قرار می گرفت که با آزادی ضمیر ، وجدان افکار و اندیشه ، علما و دانشمندان توانستند در مابعد به اکتشافات علمی موفق گردند . گرچه دین در ذات خود باعث تکلیف مردم نمی شد ، مگر تعدادی از مردم بنام دین و اندیشه های مذهبی مردم را تحت فشار قرار داده ، از تفکر آزادی و آزادی فکر و بیان باز می داشتند . (۱)

فلسفه افلاطون و ارسطو و در آنوقت اکثرا از این لحاظ مورد مطا لعه قرار نمی دادند که از استفاده کردن از این سیاره زیبای خاکی ما بحث میکرد ، و مردم را تشویق میکردند تا جهت سعادت ، رفاه ، آرامی دنیوی از این جهان که باطل خلق نشده است استفاده درست و اعظمی نمایند ، برای افکار و نظرات خود روشنی و برای شهر ها ، قری و قصبات خود نظافت و پاکی . برای مردم خود صحت و تندرستی و از حکومت عدل و انصاف را تقاضا نمایند . مگر مطالعات آنها باین منظور میبود که چگونه بعد از مرگ زنده میشوند و در جهان آخرت چگونه معیشت می دارند . به عبارت دیگر فرهنگ

۱- حرية الفكر وابطالها في التاريخ ، تالیف سلامه موسی . طبع دارا لعلم للملایین بیروت .

و معارف تماما در خدمت دیسن و جهان اخرت بود و باین جهان و عمران آن توجه مبنول نمیشد (۱).

مطالعات راجع به عظمت دوره کوشا نیان ، هوتکی ها ابدالیها غزنویان و سایر دوره های تاریخی افغانستان مفید است .

مگر در ین زمان افغانستان در تحول قرار دارد تحوله از مامطالعات عمیق در بهبود انکشاف اقتصادی اجتماعی و علوم میخواید ، تا در حال و آیند با تحقیقات علمی مستند ، ژرف ، مفید و ضروری ، بتوانیم برای رفاه ، سعادت ، آرامی پیشرفت ، ارتقا و سیر تکامل جامعه خود و جهان کار نماییم و با ظرداشت عظمت گذشته دانشمندان خود ، فرهنگ ، علوم ، صنعت و اندیشه های فکری و مذهبی خود را بیشتر نسبت به گذشته با تحقیقات علمی درست مطابق به مقتضیات عصر و زمان به نفع جامعه و بهبود زندگی که برای نور عدالت اجتماعی ، مساوات ، شرف و کرامت بدرخشند بکار اندازیم .

از حال به آینده روشن ، با سعادت ، عزت و کرامت تلاش نماییم آثار و تحقیقات علمی خود را در خدمت مردم ، جامعه و جهان ، مانند ، نیاکان خود ، چون امام ابو حنیفه ، ابن حنبل ، بخاری ترمزی ، رازی ، میرزا محمد هروی بوعلی سینا ، فارابی ، بیرونی ، جابر بن حیان ، عزالی ، جلال الدین بلخی رومی ، جامی ، سنائی ، پیروشان ، سید جمال الدین افغان و امثالهم .

بگذاریم ، جوانان و نسل آینده را به مطالعات علوم مفید ، به منظور کشف حقایق علمی در خدمت جامعه و عموم بشریت جذب نماییم هر جامعه و هر ملت مشخصات و ویژگیهای دارد که ، مخصوص به آن جامعه و مردم میباشد

ما افغان ها از گذشته و به خصوص دوره های با عظمت و ایامیکه افغانستان بنام های آریانا و خراسان نامیده میشد و همچنان دوره کوشانیان و دوره های دیگر با نشیب و فراز آن احساس سر فرازی میکنیم ، زیرا آرمانها و هدف های مشترک داریم . اگر چه در وقت حاضر با يك سلسله حوادث مواجه شدیم مگر امید است به ندرای صلح و آشتی مشکلات رفع گردد، و هم ناراحتی های که ناشی از مشکلات اقتصادی داریم ختم شود و با آرمان ها و اهداف مشترك به حیث برادران به صلح بگرئیم، از نفاق به وحدت و اتحاد متمسك شویم و برای اعمار جامعه خود با وحدت نظر و عمل کار کنیم . بر آورده شدن بعضی از آرزو ها و آرمان های ما اگر چه بسیار دشوار است ولی تلاش در رفع آن خاصه افغان ها است .

این آرمانها و آرزو ها شامل این معتقدات هستند که تمام افغانها باید در مقابل قانون دارای حقوق و واجبات مساوی باشند ، کشور ما بین سایر کشور ها سر مشقی از نجابت ، شرافت ، شهامت ، جرات ، عدالت ، وحدت و اتفاق بر ا در ی، همکاری ، حس ترحم، مردم داری ، صلح خواهی ، فدا کاری و از خود گذری در مقابل حقوق و آزادیهای اساسی یکدیگر باشند .

ما این را داریم به خاطر داریم آنچه که مردم ما در دوران قبل و بعد از میلاد مسیح (ع) و بعد از نزول قرآن مجید بر پیامبر اسلام و انتشار اسلام در افغانستان و از اینجا یعنی قلب آسیا افغانستان در منطقه انتشار یافت ، عظمت ، بزرگی ذاتی و فطری خود را حفظ کرده بودند ، بهمان نیرو برای پیشرفت و ارتقای خود بیش از پیش بسیج خواهند شد، نفاق و کدورت را از بین خواهند برد . نیروی

اقتصادی خود را تقویت خواهند بخشید زیرا منابع طبیعی و منابع انسانی ما به طور قطع و یقین از آنچه در قبل بود کمتر نیست ، کلتور ، فرهنگ ، هنر و صنعت ما باید بیش از پیش تقویت یابد و ما نباید تنها به مفاخر گذشته اکتفا کنیم .

طرز نشان دادن این نیرو ، شجاعت ، شهامت و مهارت مسوولیت مشترک تمام ما افغانها است ، به خصوص در این موقع که ما در راه تحقق آرمان های دیرینه خود و تحقق مشی مصالحه ملی میباشیم .

زما مداران اولیه به شمول دوره گذاشته ، در حقیقت صغری و کبری آمده یعنی نتیجه اش آن میباشد که کوشانیان ، اصول اولیه ای را که مردم ما بامتکی بودن به خود با آزادی کامل در راه پیشرفت ، ارتقاء ، عظمت و بزرگی خود به اندیشند و کار کنند . تاریخ با عظمت نیاکان خود را با دقت مورد مطالعه و ارزیابی قرار دهند .

وقتی با خود فکر میکنم و می اندیشم به صورت قاطع نمیدانم و نمی فهمم که انگیزه دوره های با عظمت افغانستان به شمول دوره کوشانیان چه بوده است ؟ آیا آنها ذکی تر و با هوشتر از ما بودند ، و یا تحصیلات شان بیش از ما بوده است ؟ آیا جرات شهامت و فداکاری آنها بیشتر از ما بوده است ؟ آیا وطن را بیش از ما دوست می داشتند ؟ آیا حس بشر دوستی صلح خواهی ، احساس برادری و برابری شان بیش از ما بوده است ، آیا معتقدات ، اندیشه های فکری و مذهبی آنها از ما عمیق تر و استوار تر بوده است ؟ آیا علاقه آن ها به آینده فرزندان ، اطفال و نوجوانان این سر زمین بیش از ما بوده است ؟

فکر نمی کنم چنین باشد. امروز ما افغانها ، بدون استثنا ، همگی ، قدرت و توانایی آنها را داریم که معایب و نقاط ضعف خود را در صورتیکه ملا خلات دشمنان ما جهت برهم زدن وحدت ما نباشد ، اصلاح کنیم و بر مشکلات غور نماییم و به منزل مقصود رسیم . ما میتوانیم به آینده با اعتماد کامل و ایمان راسخ موجه و مستدل بنگریم . ما افغانها اشتیاق کامل داریم که کشور خود را پیش از گذشتگان خود در ساحه علوم و معارف و اقتصاد به صورتی در آوریم . آنچه را که از دست داده ایم ، دوباره به آن برسیم و از آن هم سبقت جوئیم البته نیل بر این اهداف مستلزم وحدت ، هم آهنگی ، صلح ، آرامی ، کار و پیکار خستگی ناپذیر و اتکا به خود است . نه متقاعد شدن به افتخارات گذشته ، که امید است این روش را در ریسرچ ها تحقیقات علمی خود به منظور يك افغانستان پیشرفته ، مرفعی و شگوفان در حال و آینده مدنظر بگیرد و مساعی خلل ناپذیر علمی خود را درین راه بخرج دهد .

طرق و تکنیک های پیشرفته را در ساحه های ریسرچ و تحقیقات علمی بکار بندد که به انکشاف علوم معارف اقتصاد ، و بهبود وضع اجتماعی کشور ، مطابق به مقتضیات عصر و زمان کمک موثر و مفید نماید .

عبدالفور (پاهر)

کاندید اکا دمیستین

ماخذ و مراجع

- تاريخ مختصر افغانستان ، جلد اول ، تاليف پوهاند عبدالحي حبيبي
سال ۱۳۴۶ طبع كتاب چاپلو لوموسسه .
- مقدمه علم اخلاق ، تاليف صلاح الدين سلجوقي سال ۱۳۳۱
طبع مطبعه عمومي كابل .
- افغانستان در مسير تاريخ ، تاليف مير غلام محمد غبار طبع
مطبعه دولتي كابل - سال ۱۳۴۶ .
- اصول تاريخ القانون ، تاليف دكتور عمر ممدوح مصطفى مطابع
البصيرالا سكندريه سال ۱۹۵۴ . (عربي)
- ماهي النهضه ، تاليف سلا مه موسى نشرات كتابخانه معارف
- ماهي النهضه ، تاليف سلا مه بيروت ۱۹۶۲ (بزبان عربي) .
- ثقافه الهند ، از انتشارات روابط مجلس فرهنگي هند ، دهلي
جديد ۱۹۹۲ .
- هنددر تحت سلطه كوشانيان ، تاريخ سياسي كوشا نيان - مولف :
- ب، ن، پوري - مترجم ، پوهنوال ضمير صافي عقرب ۱۳۵۷ مطبعه
دولتي كابل

- بودیست مدیتیشن (Buddhist Meditation) ، تالیف ادوارد کونز
از انتشارات هریر رو طبع ایو نستون نیویارک ۱۹۶۹ (بزرگان
انگلیسی) .

- افغانستان بعد از اسلام جلد اول ، تالیف پوهاند عبدالحی حبیبی ،
طبع مطبعة معارف سال ۱۳۴۵ .

- هنر دوره کشانی ، تالیف ، جانم ، روزنفیلد - ترجمه ، پوهنوال
سرور همایون طبع مطبعة دولتی کابل - ۱۳۵۸

- حرية الفكر و ابطالها فی التاريخ - تالیف سلا موموسی ،
طبع بیروت ۱۹۶۱ .

- فی الفلسفة الاسلامیة وصلاتها با لفلسفة اليونانیة - تالیف دکتر
محمد السید نعیم و دوکتور عوض الله جاد حجازی طبع محمدیه -
قاهره .

- اصول اساسی روانشناسی انسان و ماهیت و تکامل آن تالیف
حسین کاظم زاده ایرا نشهر چا پ سپهر ناصر خسرو تهران .
- سیر حکمت در اروپا ، جلد اول تالیف محمد علی فروغی ، تهران
سال ۱۳۱۷ .



کتاب نشر کرده مرکز تحقیقات
علوم اسلامی :

- زنده گی پیامبر (ص) در خانواده
اش
- تاریخ خرقة شریفه درقندهار
- مبادی علوم قانونی
- صلح و اسلام
- فشرده از شرح حال و آثار امام
فخرالدین رازی
- یا قوت السیر
- کیمیای سعادت
- حبیبی و یوسف زلیخای او
- تحفة المود
- اندیشه های مذهبی دوره کو
شانی تا ظهور اسلام

کتبیکه در آینده نزدیک فراچشم
خواننده گان قرار خواهد گرفت :

- تنویر الابصار
- محمد در شیرخورده گی و خورد
سالی
- د موسی مولوی فیض محمد
- آخند زاده او د ده کورنی